

رهبری واقعی

دیدار با سید به خودتان و به حداکثر رساندن پتانسیل تان

William I. Sparks ph.d.

مترجمین:

سیدامیر حسین کاظمی

سعیده مدرس زاده

سمانه میری

سعید قربانی شادمهری

سرشناسه اسپارکس، ویلیام ال
 Sparks, William L
 عنوان و نام پدیدآور: رهبری واقعی: دیدار با سایه خودتان و به حداکثر رسان پتانسیل تان/ ویلیام ال اسپارکس؛ مترجمین
 سیدامیرحسین کاظمی
 مشخصات نشر: تهران: انتشارات راه، ۱۳۹۹
 مشخصات ظاهری: ۱۹۳ ص.
 شابک: 978-600-427325-1
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: maximizng your & Actualized leadership : meeting your shadow potential, 2019
 عنوان دیگر: دیدار با سایه خودتان و به حداکثر رسان پتانسیل تان
 موضوع: رهبری
 موضوع: Leadership
 شناسه افز: کاظمی، سیدامیرحسین، ۱۳۷۴- مترجم
 رده بندی کنگ: ۷۷۱۴
 رده بندی دیویی: ۱۲/۶۵۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۷۸

عنوان کتاب: رهبری واقعی، (اسپارکس با سایه خودتان و به حداکثر رساندن پتانسیل تان)
 مترجمین: سیدامیرحسین کاظمی، سعیده مدرس زاده، سمانه میری، سعید قربانی
 شادمهری
 صفحه آرا: سیدامیرحسین کاظمی
 چاپ و صحافی: انتشارات راه
 ناشر: انتشارات راه
 شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
 سال نشر: ۱۳۹۹
 نوبت چاپ: اول
 قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۲۷-۳۲۵-۱

کلیه حقوق برای مترجمین محفوظ است.

تکثیر تمامی یا قسمتی از این اثر به صورت حروفچینی یا چاپ مجدد، چاپ افست، فتوکپی و انواع دیگر چاپ ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

فهرست مطالب

لیست جداول و ارقام

پیشگفتار

پیش مقدمه

سپاسگزاری ها

مقدمه ویژه

بخش یک : دیدار با سایه خود

فصل ۱: F من در زندگی

فصل ۱: اسطرره خودآگاهی

بخش دو : رهبری و محرک های سازمانی

فصل ۳: رهبری واقعی: یک چارچوب

فصل ۴: محرک تیم و رهبری

بخش سه: رهبری واقعی

فصل ۵: شناخت: رهبران واقعی: رفتار فکر می کنند

فصل ۶: احساسات: رهبران واقعی چگونه احساس می کنند

فصل ۷: رفتار: رهبران واقعی چگونه عمل می کنند

فصل ۸: سه توالی خود شکوفایی

بخش چهار: سفر تحول

فصل ۹: ادغام سایه رهبری شما و سیکل تغییر تحول

فصل ۱۰: آن سوی رهبری: فروتنی، خوشحالی، اشتیاق و هدف

ضمائم:

ضمیمه الف: سبک های ALP در یک نگاه

ضمیمه ب: منابع تکمیلی

ضمیمه ج: شرح تکنیکی: اطمینان و اعتبار برای ALP

پیشگفتار

یکی از فیلم های مورد علاقه من داستان باگر و انس است. شخصیت اصلی فیلم یک گلف باز حرفه ای بسیار با استعداد به نام رانولپ جونو است که توسط سایه های یک تجربه زندگی غم انگیز تلف شده است. در نتیجه، از مسیر زندگی دور شده است؛ او بازی اش را از دست داده است. شبخ او باگر و انس، تصمیم گرفته با او به سرزمین تاریک و رنج آور سفر کند. بدون اطلاع جونو، باگر می دهد که به او کمک کند تا به تمام پتانسیل خود برسد و به صورت حکمت درونی عمل می کند. در یک لحظه غم انگیز در فیلم، جونو بعد از زدن توپ، خود را در جنگل موهوم تاریک می یابد. در این لحظه او در سیلاب خاطرات غم انگیز گذشته خ که سالها همراه او بوده فرو می رود. با ترس و وحشت به پرتاب کننده توپش تکیه کرد، آماده می شد تا انصراف دهد و یکبار برای همیشه کنار بکشد. سپس ظاهراً از غیب، باگر ظاهر می شود و سؤالی می پرسد «جونو، تو می خواهی در آنجا سگه متفاوتی داشته باشی؟» با حضور شبخش گیج شد، جونو پاسخ داد «نمی توانم این کار را بکنم» و او ادامه می دهد «تو درک نمی کنی». باگر پاسخ می دهد «نیاز به درک کردن ندارم. یک روح روی کره زمین وجود ندارد که این را نفهمد. تو با آن زندگی می کنی، اما به قدر کافی تحمل کرده ای. زمان می گذرد، آن را کنار بگذار ... وقت آن رسیده که از تاریکی خارج شوی، جونو. وقتش رسیده که انتخاب کنی.»

در رهبری واقعی نیز ویل اسپارکس از شما می خواهد که انتخاب کنید، از تاریکی خود بیرون بیایید و برای رسیدن به پتانسیل مطلوب خود، دست به انتخاب بزنید. برای این کار، اسپارکس استدلال می کند که ما باید با سایه خودمان مقابله کنیم. باید از گذشته غم انگیز خود عبور کنیم و به سمت اهداف

زندگی خود برگردیم و در پی یافتن دلیل شخصی خودمان باشیم. به شدت تحت تأثیر مفاهیم روانشناس سوئیسی کارل یونگ از شخصیت (روند تحقق پتانسیل نهایی ما) و سایه (جنبه ناخودآگاه و غالباً غیرمنطقی شخصیت خودمان که تحت استرس تحریک می شود)، اسپارکس ما را به چالش می کشد که به سمت تاریک این نگاه کنیم که چگونه به عنوان رهبر ظاهر می شویم. او شما را تشویق می کند که از آنچه که یونگ «مِه توهم» شما نامیده دست بردارید و از مقصر دانستن دیگران در مشکلاتتان دست بردارید، از سایه ها بیرون بیایید و بالاترین پتانسیل خود را به واقعیت تبدیل کنید. رهبری واقعی به عنوان یک حکمت درونی عمل می کند، بسیار شبیه باگ وانس، اما از طریق کلمات کتاب.

رهبری واقعی در میان نظری اصلی نویسندگانی چون یونگ، آبراهام مازلو، میهایلی سیکزنت می باشد. یونگ مک کلند و ویکتور فرانکل، چارچوبی ترکیبی فراهم می کند که پایه اساسی برای تحقیق و پرس و جو می باشد. این کتاب استدلال می کند که افراد توسط یکی از نیازهای انگیزشی مثبت و سبک های نتیجه گرفته شده از آنها نشان داده می شوند: بدست آورنده، تأیید کننده، یا جسارت کننده. هر سبک رهبری یک سایه رهبری متناظر منحصر به فرد دارد- ترس از شکست (بدست آورنده)، ترس از عیب پذیرش (تأیید کننده)، یا ترس از خیانت (جسارت کننده)- که اغلب تحت استرس نتایج که از مطلوب، اگر صراحتاً عملکرد بد نگوئیم، ایجاد می کند. اسپارکس به ما یادآوری می کند که یک انتخاب داریم: می توانیم با سایه خود مواجه و آن را پردازش کنیم، یا اینکه آن را نادیده گرفته یا انکار کنیم، و آن ما را پردازش و مدیریت خواهد کرد. او با تأثیر پذیری از حکمت نظریه قصد تناقضی ویکتور فرانکل، استدلال می کند که هرچه بیشتر اجازه دهیم ترس در زیر سایه رهبری ما رفتار ما را تحت الشعاع

قرار دهد، به احتمال زیاد همان چیزی را که می‌خواهیم از آن بهره‌بریم، تجربه خواهیم کرد: شکست، طرد یا خیانت.

در دهه گذشته چیزهای زیادی در مورد رهبری و روانشناسی مثبت نوشته شده است، در حالیکه بسیاری از سازمانها به شدت این تصور را قبول می‌کنند که باید بیشتر بر نقاط قوت افراد تمرکز کنیم تا نقاط ضعف آنها. این سازمانها بر این باورند که ایجاد یک محیط کاری مثبت همه را ترغیب می‌کند که خود را ترشان نباشند. در رهبری واقعی، اسپارکس ما را قدمی فراتر از این مفهوم می‌برد. او استدلال می‌کند که تمرکز تنها روی نقاط قوتمان، در حالیکه سایه خود را محو می‌کند، انکار یا طرح ریزی می‌کنیم تنها نیمی از معادله خودآگاهی است. او ما را به جایی می‌کشد تا وقت صرف کشف دلیل شخصی درونی خود برای آنچه که انجام می‌دهیم کنیم. او سپس فراتر از اهمیت انگیزه‌های مثبت حرکت می‌کند و ما را تشویق می‌کند تا به آشفتگی‌های درونی خود براساس غلبه بر تأثیر سایه رهبری ناخودآگاه خود بپردازیم. با انجام این کار می‌توانیم خود را از سمت تاریک نفسمان رها کنیم تا به سمت اوج خود بالاترمان؛ یعنی پتانسیل واقعی مان، صعود کنیم.

سالها پیش معلم من به من آموخت که مسئولیت علی‌من به عنوان کانالیزور رشد انسان، نگه داشتن آینه‌هایی برای دیگران است تا بتوانند خودشان را واضح‌تر ببینند. در برخی موارد، این درون عمیق درخشنده پنهان خاص یک شخص را منعکس می‌کند. در سایر موارد، این حقیقت بی‌رحم را بزرگ می‌کند که چطور سایه‌های فرد برای دیگران لو می‌رود. من به عنوان مسئول ارشد استعدادیابی دریافتم هر دوی این کارها برای رشد رهبری ضروری است. ما باید از پتانسیلهای پنهان دیگران پرده برداریم، و همچنین باید دیگران را به چالش

بکشیم تا با نفس سرکوبگر خود مقابله کنند. در رهبری واقعی، اسپارکس حتی فراتر می رود. او غیرقابل تصور عمل می کند. او آینه را به اطراف می چرخاند و علناً واقعیت های بی رحم سیر رهبری خود را به عنوان گواهی برای دیگران به اشتراک می گذارد تا بتوانند انتخاب کنند.

این انتخاب شاید هرگز اهمیت بیشتری نداشته باشد. در دنیای امروز، حتی بیشتر، رهبران باید ارتجاع را در سازمان خود فعال کنند. این سفر با نگاه به آینه شروع می شود. ما در عصری آشفته زندگی می کنیم، جایی که عدم چابکی بوسه مرگ است. جان کمبرز، رئیس بنیانگذار سیسکو، گفته «اگر تغییر نمی کنید، ... اگر خودتان را از نو نمی سازید، ساختار سازمانتان را تغییر دهید؛ اگر در مورد سرعت نوآوری صحبت نکنید- شکست می خورید. و این شکستی بی رحم خواهد بود، جایی که شرکت ها ۱۰ تا ۱۵ سال دیگر به معنی واقعی وجود نخواهند داشت.» یک مطالعه از دانشگاه واشنگتن پیش بینی می کند که تخمین زده می شود ۴۰٪ از شرکت های S&T امروز، از اکنون بیش از یک دهه وجود نخواهند داشت (لوانو، ۲۰۱۴). این واقعیت، سازمان ها را با انتخابی مهم روبرو می کند: سازگاری یا مرگ. بدین منظور، سازمانها به درستی نیاز به رهبران واقعی دارند، رهبرانی که بتوانند فراتر از نفسشان را ببینند و به سازمان کمک کنند تا با واقعیت های سخت دنیای در حال تغییر روبرو شوند. رهبران معنی است که رهبران ابتدا باید با شیاطین وجود خود روبرو شوند و به سایه رهبری خود بپردازند. به طور آندوهناکی، تجربه شخصی من این است که رهبران افتخار رهبری را بدون هزینه می خواهند. رهبران کمی هستند که مایلند هزینه لازم را پرداختن به سایه خود بپردازند و کار عمیق لازم برای رهبری منعطف و سازمانهای سازگار را انجام دهند. برای شماهایی که چنین کاری را انتخاب می

کنید، آنهایی از شما که بخاطر شرکت خود مایل به ورود به این سفر هستید، رهبری واقعی می تواند در لحظات شخصی تردید و ناکامی در تاریکی به عنوان منجی به شما خدمت کند.

دکتر میکائیل جی. آرنا

مدیر ارشد استعدادیابی جنرال موتورز

نویسنده فضای تطبیقی

www.adaptivespace.net

www.ketab.ir